

# تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی‌های خود<sup>۱</sup>

نگارش: رافائل کاپورو

ترجمه: محمد خندان

## چکیده

تکنولوژی اطلاعات تأثیری متناقض بر جامعه دارد. این وضعیت تحلیل اخلاقی‌ای را می‌طلبد که متوجه دو جنبه باشد. از یک جنبه مسائل قدرت و کنترل باید از منظر ساختارهای نهادی، یعنی هنجارهای زندگانی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. از جنبه‌ی دیگر، هم‌هنگام، شکل‌گیری تکنولوژیک جامعه که خصلت قدرت، سرکوب، لفاظی و عقاید جزمی را به خود می‌گیرد باید از منظر کثرت صورت‌های زندگانی، یعنی در چارچوب تبادل نظر و ابراز مخالفت مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. مقاله‌ی حاضر با مذاقه در مفهوم تکنولوژی‌های خود که توسط میشل فوکو مطرح شد هر دو بحث را به اختصار ارائه می‌کند.

\*\*\*\*\*

## مقدمه

تکنولوژی اطلاعات به نحوی دراماتیک مشغول تغییر دادن بنیان‌های جوامع دموکراتیک است. مسائل و مباحث سیاسی نه تنها در قالب نمایندگی پارلمانی، بل که در تمام انواع رسانه‌های همگانی در معرض بحث همگانی است. بحران دموکراسی‌های مدرن می‌تواند این گونه درک شود: ارتباط سیاستمداران با عامه در پارلمان، به تبلیغ در رسانه‌های همگانی تبدیل می‌یابد؛ هم‌چنان‌که والتر بنیامین (۱۹۳۶) در سال ۱۹۳۶ دریافت. به نظر بنیامین این امر بر ظهور معیارهای انتخاباتی جدید دلالت دارد؛ چیزی شبیه به دگردیسی از تئاتر به فیلم و از ورزش یونانی به ورزش مبتنی بر آزمون‌های کمی. اما رادیکال‌تر از آن، تکنولوژی اطلاعات شیوه‌ی مسلط شکل‌دهی به هویت فرهنگی ما و/یا تحمیل این هویت به دیگران است.

این وضعیت، تحلیل اخلاقی نقش تکنولوژی اطلاعات در جوامع مدرن را از دو جنبه می‌طلبد. این تحلیل مبتنی بر تمایزی است که میشل فوکو (۱۹۸۴) بین «اخلاق مبتنی بر قانون<sup>۲</sup>» و «اخلاق مبتنی بر خود<sup>۳</sup>» قائل می‌شود. فوکو روش‌ها و فنونی که به واسطه‌شان خودمان را می‌سازیم

---

<sup>۱</sup> این مقاله در میزگرد دموکراسی اطلاعاتی: مباحث مربوط به قدرت و کنترل در «اجلاس سالانه‌ی انجمن اطلاع‌رسانی امریکا» (ASIS) که از ۲۵-۲۹ اکتبر ۱۹۹۲ در پیتسبورگ برگزار شد، ارائه گردید. نسخه‌ی چاپی آن در منبع زیر منتشر شده است:

Rafael Capurro, "Information Technology and Technologies of the Self", *Journal of Information Ethics* . 5 (1996) 19-28.

نسخه‌ی آنلاین مقاله، که ترجمه‌ی حاضر از روی آن انجام شده، در نشانی زیر دسترس پذیر است:

[www.capurro.de/self.htm](http://www.capurro.de/self.htm)

<sup>۲</sup> code-oriented morality

<sup>۳</sup> self-oriented morality

«مبالات خود»<sup>۱</sup> یا «تکنولوژی (روال)های خود»<sup>۲</sup> می‌نامد. این نکته از عهد باستان که فلسفه ممارستی برای حکومت بر نفس<sup>۳</sup> از طریق پروژه‌ی مستمر خودشناسی<sup>۴</sup> به حساب می‌آمد، نکته‌ای کلیدی در تفکر اخلاقی بوده است. چنین پروژه‌ای به معنی اهتمام به روابط حقیقت، قدرت و میل است. ممارست آزادی یا مبالات خود باید از سرکوب جلوگیری کرده و در جهت دستیابی به اصالت یعنی همبستگی و تکثر در زندگی فردی و جمعی مان سخت بکوشد.

هدف من در مقاله‌ی حاضر تحلیل برخی از نقاط اشتراک تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی‌های خود است. پرسش هادی من از این قرار است: همان‌گونه که رونالد داکتر<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) می‌گوید، ما چه‌گونه می‌توانیم تضمین کنیم که مزایای تکنولوژی اطلاعات نه فقط عادلانه توزیع شود، بل که به نحوی توسط افراد به خدمت گرفته شود که بتوانند زندگانی خاص خود را نیز شکل دهند؟ من در وهله‌ی اول بعضی از ویژگی‌های یک جامعه‌ی شکل‌گرفته توسط تکنولوژی اطلاعات را، آن‌چنان‌که توسط برخی از متفکران پیشرو مورد تحلیل قرار گرفته است، مختصراً خاطر نشان خواهم کرد. این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که تکنولوژی اطلاعات - هم‌چون سایر فراورده‌های تکنولوژیک - دارای تناقض است. در وهله‌ی دوم وابستگی متقابل بین قوانین اخلاقی و تکنولوژی‌های خود را با مذاقه در تأثیر اجتماعی تکنولوژی اطلاعات نشان خواهم داد.

### ۱. تأثیر متناقض تکنولوژی اطلاعات بر جامعه

بد نیست قبل از بررسی برخی از جنبه‌های مربوط به تناقض جامعه‌ای که توسط تکنولوژی اطلاعات شکل گرفته است ریشه‌های این مسأله را واکاوی کنیم.

در حالی که در یونان باستان آزادی گفتار [= *παρρησία* = پارهسیا] مبنای بنیادی دموکراسی در شهر [= *πόλις* = پولیس] بود، عصر روشنگری آزادی نوشتار را به‌عنوان مبنای جدید دموکراسی‌های مدرن معرفی کرد. برخلاف شهر (پولیس) باستان، دموکراسی‌های مدرن باید بر پایه‌ی اصولی که بالقوه توسط تمام ابناء بشر مورد شناسایی و پذیرش قرار گرفته‌اند بنا شوند و دیگر اهمیتی ندارد که آیا آن‌ها به یک قوم (یا یک گروه خاص) تعلق دارند یا نه؟ این وضعیت تنها در صورتی برقرار می‌شود که آزادی اندیشه، که در واقع مبنای سایر اصول دموکراتیک محسوب می‌شود، در بند محدودیت زمانی و مکانی ارتباطات گفتاری نماند. به عقیده‌ی کانت (۱۹۶۸) کاربرد همگانی عقل بسته به آزادی نوشتار است، چرا که نوشتار رسانه‌ی بالقوه جهان‌شمولی است که عقل انتقادی به واسطه‌ی آن می‌تواند در دسترس همه‌ی آدم‌ها قرار گیرد؛

<sup>1</sup> care of the self

<sup>2</sup> technologies of the self

<sup>3</sup> self-regulation

<sup>4</sup> self-representation

<sup>5</sup> Ronald Doctor

حداقل مادامی که هر فرد قادر به خواندن و دسترسی به نوشتار است (کاپورو، ۱۹۸۶). دموکراسی‌های مدرن فقط بر آزادی گفتار مبتنی نیستند، بل که با آزادی انتشارات نیز نسبتی وثیق دارند. مع‌ذلک، یکی از دلایل علاقه‌مندی ما به تکنولوژی‌های اطلاعاتی آن است که دیگر به مسأله‌ی دسترسی به آن چه که گفته/ نوشته می‌شود، هم‌چون عصر روشنگری ساده‌لوحانه و ناچیزشمارانه نگاه نمی‌شود. در یک جامعه‌ی اطلاعاتی مسأله‌ی آزادی دسترسی بسیار مهم و حیاتی می‌شود.

مقصود من از تکنولوژی اطلاعات عمدتاً رسانه‌هایی است که به واسطه‌شان می‌توانیم با هم به نحوی مصنوعی ارتباط برقرار کنیم. به دلیل وجود طیف گسترده‌ای از شکل‌های ترکیبی تکنولوژی اطلاعات و رسوخ آن‌ها به تمام جوانب زندگی اجتماعی، ایجاد مقولاتی از قبیل «رسانه‌های گرم» و «رسانه‌های سرد»<sup>۱</sup> (مکلوهان، ۱۹۶۴) یا «رسانه‌های همگانی» و «رسانه‌های فردی» در راستای هدفم ضروری نبود. سنتز دموکراسی و تکنولوژی اطلاعات که جامعه‌ی اطلاعاتی می‌خوانیمش به چه شبیه است؟

ژان فرانسوا لیوتار (۱۹۷۹)، فیلسوف فرانسوی، در کتاب خود با عنوان «وضعیت پست‌مدرن» تأثیرات تکنولوژی اطلاعات بر علم و کنترل آن را توصیف می‌کند. تکنولوژی اطلاعات که در ذخیره و مدیریت دانش به کار می‌رود نه تنها درک سلسله‌مراتبی از دانش را بر هم می‌زند، بل که به‌طور بالقوه، کنترل انحصاری دانش توسط یک گروه اجتماعی (فی‌المثل حزب یا دانشگاه) را نیز تضعیف می‌کند. به عبارت دیگر، همبستگی دانش و تکنولوژی اطلاعات بر امکان تکثر و ابراز مخالفت در یک جامعه و بین جوامع مختلف دلالت دارد. به منظور دستیابی به این وضعیت کثرت‌انگاران، لیوتار حق دسترسی عمومی به پایگاه‌های اطلاعاتی را طلب می‌کند. به‌عنوان نظرگاهی متفاوت با نظرگاه لیوتار تنها به نظرگاه یورگن هابرماس (۱۹۸۸) اشاره می‌کنم. به زعم هابرماس فرض بر این است که رسانه‌های همگانی باید در خدمت توافق باشند نه ابراز مخالفت. تکنولوژی اطلاعات مادامی که جامعه‌ای شفاف‌تر، یعنی عقلانی‌تر را به بار می‌آورد دارای پتانسیلی رهایی‌بخش است. اما مطابق نظر یکی از متفکران پیشرو پست‌مدرن، جیانی واتیمو،

---

<sup>۱</sup> «رسانه‌های سرد و گرم» [= *cold and hot media*] عنوان فصل دوم از کتاب مشهور مکلوهان با عنوان «درک رسانه‌ها» [= *Understanding Media*] است. به عقیده‌ی مکلوهان اصل بنیادینی که گرم یا سرد بودن یک رسانه را تعیین می‌کند میزان امتداد حواس توسط آن رسانه است. فی‌المثل عکس یک رسانه‌ی گرم و تلفن یک رسانه‌ی سرد است. عکس با چشم سر و کار دارد و لذا اطلاع بیش‌تری عرضه می‌کند. در مقابل، تلفن با گوش سر و کار دارد و همان‌طور که می‌دانیم گوش در قیاس با چشم اطلاع اندکی دریافت می‌کند. بدین ترتیب، رسانه‌های سرد در قیاس با رسانه‌های گرم، مستلزم فعالیت و مشارکت بیش‌تری از جانب استفاده‌کننده‌اند. بنگرید به: هربرت مارشال مکلوهان، برای درک رسانه‌ها، ترجمه سعید آذری (تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات، و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷)، ص ۲۳-۳۶. (مترجم)

رسانه‌های همگانی جامعه‌ای شفاف‌تر ایجاد نمی‌کنند، بل که به ایجاد جامعه‌ای آشفته‌تر می‌انجامند. به عقیده‌ی واتیمو این آشفستگی<sup>۱</sup> به معنی عدم عقلانیت نیست، بل که وضعیتی کثرت‌انگارانه است. در حالی که هابرماس به دنبال توافق بین زمینه‌هایی است که ظهور عقلانیت جهان‌شمول را امکان‌پذیر می‌سازند واتیمو بر عقلانیت‌های محلی تأکید می‌کند. چراکه ایده‌ی عقلانیت جهان‌شمول که به معنی یک تفسیر مشترک جهانی است، با تنوع آن جهان واحدی که به قول نیچه دیگر به افسانه بدل گردیده، مطرود شده است. دیگر هیچ جایی برای «نظرگاه اتوپیایی»<sup>۲</sup> وجود ندارد، بل که تنها می‌توان از «امکان‌های هتروتوپیایی»<sup>۳</sup> سخن گفت (واتیمو، ۱۹۸۹ و ۱۹۸۵). به عقیده‌ی واتیمو که در واقع بسط نظرگاه‌های بنیامین درباره‌ی تکثیر تکنیکی اثر هنری و نقد هایدگر از متافیزیک غرب است، به نظر می‌رسد که غرب در حال رسیدن به یک تجربه‌ی زیبایی‌شناختی جدید است که مشخصات عمده‌ی آن عبارت است از: التقاط<sup>۴</sup>، انکار ماهیت<sup>۵</sup> و ناپایداری<sup>۶</sup>. نهایتاً باید اشاره کرد که متفکرانی چون ژان بودریار (۱۹۸۷) و نیل پستمن (۱۹۹۱) ازدیاد اطلاعات را تهدیدی برای تفکر اخلاقی متعهدانه و تأدب به آداب می‌دانند. این نظرگاه‌ها به آسیب‌شناسی‌های مطرح از جانب وبستر و رایینز (۱۶۸۶) که رونالد داکتر (۱۹۹۱) به آن‌ها اشاره می‌کند شبیه‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد که در مواجهه با تکنولوژی اطلاعات تنها دو گزینه پیش روی داریم: یا این‌که کاملاً آن را تحت کنترل درآوریم و یا در غیر این صورت کاملاً در مقابلش آسیب‌پذیر شویم (رزنیگل<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹).

این رهیافت‌های متناقض، به وضوح نشانگر تأثیر متناقض تکنولوژی اطلاعات بر جامعه است. تکنولوژی اطلاعات، به‌طور هم‌زمان، ساحات سرکوب و رهایی‌بخشی، تخریب و طراحی زیبایی‌شناختی، ایدئولوژی و تکثر، توافق و ابراز مخالفت را به روی ما می‌گشاید. به عبارت دیگر، تکنولوژی اطلاعات خنثی نیست (فرولیش<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰). این بدان معنی است که ما نمی‌توانیم تکنولوژی را صرفاً ابزاری بینگاریم که ریشه‌ای در زندگانی فردی و اجتماعی و به عبارت دیگر، تاریخ و روال‌های فرهنگی مان ندارد. به جای جداسازی واکافتی<sup>۹</sup> تکنولوژی از عالم زیسته<sup>۱۰</sup> ای که آن را در بر گرفته است، باید بکوشیم به‌گونه‌ای هم‌نهادی<sup>۱۱</sup> بدان بنگریم. یعنی بکوشیم روابط

<sup>1</sup> chaos

<sup>2</sup> utopian view

<sup>3</sup> heterotopian possibilities

<sup>4</sup> eclecticism

<sup>5</sup> nonessentiality

<sup>6</sup> ephemerality

<sup>7</sup> Rosznagel

<sup>8</sup> Froehlich

<sup>9</sup> analytic

<sup>10</sup> life-world

<sup>11</sup> synthetic

متقابل بشر، طبیعت و تکنولوژی را دریابیم و از مغالطه‌های ناشی از اومانیزم، ناتورالیسم و تکنیسیسم بپرهیزیم. در عصر تکنولوژی اطلاعات، آنچه که من آن را تفکرِ هم‌نهادی می‌خوانم، برای مشارکت در عرصه‌ی بحث عمومی مصنوعی<sup>۱</sup> با چالش مواجه است (کاپورو، ۱۹۹۳). اهتمام به آنچه که در/ با تکنولوژی اطلاعات بدان می‌اندیشیم و انجام می‌دهیم به معنی جست‌وجوی نقطه‌ی مشترک بین تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی‌های خود است. این بدان معنی است که تکنولوژی اطلاعات را هم‌چون یک چالش اخلاقی در نظر بگیریم.

## ۲. تکنولوژی اطلاعات هم‌چون یک چالش اخلاقی

ما چه‌گونه می‌توانیم تضمین کنیم که مزایای تکنولوژی اطلاعات نه تنها عادلانه توزیع شود، بل که به‌گونه‌ای توسط افراد به خدمت گرفته شود که بتوانند زندگانی خاص خود را نیز شکل دهند؟ بخش اول مسأله به جنبه‌های قانونی و نهادی راجع است. بخش دوم از این حد فراتر می‌رود و نه فقط به هنجارهای زندگانی<sup>۲</sup>، بل که به صورت‌های زندگانی<sup>۳</sup> نیز می‌پردازد. هر سه جنبه مستلزم پرسش‌هایی در باب حقیقت، قدرت و میل است، یعنی آن‌ها مستلزم انتخاب‌های فردی و اجتماعی مربوط به این پرسش‌ها هستند (کاپورو، ۱۹۹۲ الف). با این مقدمات است که می‌توانیم بپرسیم: ما چه‌گونه می‌توانیم تضمین کنیم که گزینه‌های نهادی، تجویزی و شکل‌دهنده به زندگانی، گشوده باقی بمانند؟ جواب من آن است که کنترل قانونی تکنولوژی اطلاعات کافی نیست، بل که این جنبه‌های تجویزی نه تنها بر پایه‌ی اخلاق مبتنی بر قانون، بل که بر پایه‌ی اخلاق مبتنی بر خود نیز باید قرار بگیرند.

تمایزگذاری فوکو بین اخلاق مبتنی بر قانون و اخلاق مبتنی بر خود به تعارض بین قوانین اخلاقی از یک سو و آزادی فردی از سوی دیگر، اشاره ندارد. متعکساً، تمایزگذاری فوکو بر مکمل‌بودگی این دو نسبت به هم تأکید می‌کند. برای بدل شدن به یک سوژه‌ی اخلاقی، داشتن قوانین اخلاقی و عمل بر طبق آن‌ها کافی نیست. پای جنبه‌ی دیگری در کار است که به گزینه‌های مختلفی مربوط می‌شود که به واسطه‌شان می‌توانیم قوانین اخلاقی را در سیاق زندگانی فردی و تاریخی و فرهنگی جوامع مختلف به کار بندیم. در این صورت، ما عامل<sup>۴</sup> اخلاقی صرف نیستیم، بل که به عنوان افراد و جوامع، به سوژه‌های اخلاقی کنش‌های خود بدل می‌شویم. ما یک من یا

---

<sup>۱</sup> *artificial marketplace* کاپورو کلمه‌ی *marketplace* را معادل کلمه‌ی *αγορά* به کار می‌برد که در یونان باستان مکانی برای اجتماع و بحث و تبادل نظر عمومی بوده است. پس ترجمه‌ی آن به «عرصه‌ی بحث عمومی» بی‌وجه نخواهد بود. کاپورو این عرصه‌ی بحث عمومی را در عصر اطلاعات، ساخته و پرداخته‌ی تکنولوژی اطلاعات و صنع بشر می‌داند و لذا آن را با کلمه‌ی «مصنوعی» [= *artificial*] وصف می‌کند. (مترجم)

<sup>۲</sup> *living norms*

<sup>۳</sup> *living forms*

<sup>۴</sup> *agent*

مای لایتیغیر نیستیم، بل که برآیند انتخاب‌های ممکن در فرایند شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی خود در نظامی از روال‌های زبان‌شناختی و نهادی هستیم (دریفوس و رابینو<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳). «خود»، سوژه‌ی انتزاعی‌ای نیست که ابداع نظریه‌های معرفت‌شناختی باشد، بل که برآیندی پویا از فرادش‌ها و پروژه‌های زندگانی است که به واسطه‌شان هویت فردی و اجتماعی دائماً خلق می‌شود و مورد پرسش قرار می‌گیرد. اما جست‌وجوی اخلاقی برای اصالت، صرفاً فرایندی نیست که از طریق آن با تشخیص متقابل تفاوت‌هایمان متفاوت می‌شویم. به گونه‌ای رادیکال‌تر، هم‌چنان‌که امانوئل لویناس (۱۹۶۱) می‌گوید، این امر به معنی استیضاح شدن چهره به چهره توسط غیر و علی‌الخصوص بی‌چیزها<sup>۲</sup> است. جست‌وجوی خود، اخلاقاً مسبوق است به مورد پرسش قرار گرفتن توسط غیر و «مبالات خود» به درستی درک نخواهد شد اگر به منزله‌ی نقطه‌ی مشترک مبالات نسبت به روابط متقابل مان در برابر قوانین، روال‌ها و نهادهای ناشناس<sup>۳</sup> تفسیر نشود.

بر این اساس می‌توانیم دوباره بپرسیم که: ما چه گونه می‌توانیم تضمین کنیم که مزایای تکنولوژی اطلاعات نه تنها عادلانه توزیع شود، بل که به گونه‌ای توسط افراد به خدمت گرفته شود که بتوانند زندگانی خاص خود را نیز شکل دهند؟ در سطح نهادی، این مهم نه تنها از طریق «نهادهای کشوری و محلی دموکراسی اطلاعاتی»، آن‌چنان‌که رونالد داکتر (۱۹۹۱) پیشنهاد می‌کند، بل که از طریق فعالیت‌های جهانی از قبیل «مؤسسه‌ی بین‌المللی دموکراسی اطلاعاتی» انجام‌پذیر است. در واقع، نهادها و قوانین اخلاقی شرط لازم برای بنا نهادن واقعیت اجتماعی‌اند اما شرط کافی نیستند (دال‌بوم<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱). این هر دو باید در پیوند با امکان‌های نقادی ما قرار گیرند، چراکه در غیر این صورت ممکن است به ابزارهایی برای سرکوب بدل شوند. به عبارت دیگر، به واسطه‌ی نهادها و قوانین اخلاقی و حقوقی است که می‌توانیم حق دستیابی و توزیع عادلانه‌ی اطلاعات را به منظور پر کردن فاصله‌ی اطلاعاتی بین فقیر و غنی اطلاعاتی تضمین کنیم. مع‌الوصف، اگر فعالیت‌های نهادی و قانون‌مدار خود را در چارچوبی از تکنولوژی‌های خود مستقر نکنیم، آن‌ها فقط به بازایی یک فرایند بوروکراتیک می‌انجامند. این مدافعه از آنارشی و یا انکار نقش و ضرورت هنجارها و نهادها نیست، بل که طلب مبالات اخلاقی نسبت به یکتایی<sup>۵</sup> وجود فردی و جمعی مان است.

---

<sup>1</sup> Dreyfus and Rabinow

<sup>2</sup> The have-nots

<sup>3</sup> anonymous

<sup>4</sup> social reality

<sup>5</sup> Dahlbom

<sup>6</sup> uniqueness

من در جایی دیگر (کاپورو، ۱۹۹۰) گفته بودم که ما نیازمند چیزی شبیه به یک «اکولوژی اطلاعات»<sup>۱</sup> هستیم تا از عهده‌ی تأثیرات فاجعه‌بار تکنولوژی اطلاعات بر افراد و اجتماع برآییم. فجایعی از قبیل:

- فاصله‌ی فزاینده بین غنی و فقیر اطلاعاتی؛
- استعمار تکنولوژیک عالم زیسته؛
- از خودبیگانگی فرهنگی گروه‌های مختلف درون جوامع و نیز خود جوامع (و گروه‌هایی از جوامع) به عنوان یک کل؛
- کنترل الیگارشیکی منابع اطلاعاتی.

باید از این سوء تفاهم جلوگیری کنم که استفاده از استعاره‌ی اکولوژی را نباید به کاربرد حریصانه‌ی مقولات طبیعت در حوزه‌ی اجتماع تفسیر کرد. ما اصالتاً علاوه بر طبیعت در زبان نیز مسکن [= *oikos* = ایکوس] می‌گزینیم. تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر عقلانیت [= *logos* = لوگوس] ما اگر به اندازه‌ی تأثیر عقلانیت تکنولوژیک بر طبیعت نباشد از آن کم‌تر نیست.

کریستین فلوید<sup>۲</sup> (۱۹۹۲ الف)، از دانشمندان علوم کامپیوتر، پیشنهاد کرده است که دانشمندان و مهندسان برای به عهده گرفتن مسؤولیت اخلاقی باید از علم بگذرند، یعنی آن‌ها باید به زبانی عام درباره‌ی ارزش‌ها سخن بگویند. او در حوزه‌ی ارزش‌ها بین شیوه‌ی مبتنی بر اقتدار<sup>۳</sup> و شیوه‌ی مبتنی بر اصالت<sup>۴</sup> تمایز قائل می‌شود. در حالی که اولی بر سلسله‌مراتب، قانون، اطلاق، فرمان، اطاعت و کنترل مبتنی است دومی مستلزم شبکه‌ای از نسبت‌ها، انتخاب‌ها، واقع بودن در وضعی خاص<sup>۵</sup>، دعوتگری، تعهد و حمایت متقابل است. فلوید به شرح و بسط آن چیزی پرداخته که نظرگاه تیمارگرانه<sup>۶</sup> می‌نامد و مبتنی بر جنبه‌های زیر است:

- فردیت، که محدودسازی خود را پیش فرض قرار می‌دهد.
- تنوع، که احترام متقابل را پیش فرض قرار می‌دهد.
- پیوند<sup>۷</sup>، که به آشتی نظر دارد.
- تعادل، که فلوید آن را به نگرش تیمارگرانه‌ی مبالغه‌آمیز مرتبط می‌داند.

این تغییر پارادایم از «شیوه‌ی مبتنی بر اقتدار» به «شیوه‌ی مبتنی بر اصالت»، بسیار شبیه تمایزی است که فوکو بین «اخلاق مبتنی بر قانون» و «اخلاق مبتنی بر خود» قائل می‌شود. به نظر

---

<sup>1</sup> information ecology

<sup>2</sup> Christian Floyd

<sup>3</sup> authority-mode

<sup>4</sup> authenticity-mode

<sup>5</sup> situatedness

<sup>6</sup> healing vision

<sup>7</sup> relatedness

من اشتباه است که این دو نوع اخلاق را نقیض یکدیگر بدانیم. اخلاق در معنی هنر زندگانی، جایگزینی برای اخلاق کلی مبتنی بر قانون نیست. اخلاق در معنی هنر زندگانی، دوباره مسأله‌ی کلاسیک اهداف عمل را پیش می‌کشد و دربرگیرنده‌ی مسائل اخلاقی مطرح در درون پروژه‌های زندگانی متفاوت است. اخلاق در معنی هنر زندگانی، تنها یک نظرگاه نیست، بل که یک «علم/اخراج مشورتی»<sup>۱</sup> است (کرامر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲). این چالشی برای جامعه‌ی اطلاعاتی است که بتواند اطلاع را چیزی بداند که عمیقاً به علم اخلاق تعلق دارد و جزئی لاینفک از فرایند رایزنانه‌ی عقل عملی و فرایند خلاقانه‌ی تخیل بشری است. لذا من معتقدم که ایجاد و توسعه‌ی یک علم اطلاعات<sup>۳</sup> به منزله‌ی رشته‌ای بلاغی<sup>۴</sup> که شاخصه‌های اصلیش عبارت‌اند از جنبه‌های اخلاقی، زیبایی‌شناختی و سیاسی، مطلوب و ممکن است.

اگر جامعه‌ی اطلاعاتی را جامعه‌ای مشورتی و خلاق بدانیم که شور و مشورت در آن نقشی کلیدی ایفا می‌کند - هم‌چنان که در واقع در دموکراسی‌ها باید چنین باشد - پس شبکه‌های اطلاعاتی، مطابق با این بصیرت که «ما در طراحی ابزارها انحاء بودن را طراحی می‌کنیم» (وینوگراد و فلورز<sup>۵</sup>، ۱۹۸۶، ص ۱۱) می‌توانند یک عرصه‌ی بحث عمومی مصنوعی برای مباحثه، ابراز مخالفت و مشورت باشند. ما نباید هم خود را فقط صرف یادگیری نحوه‌ی ذخیره، بازیابی و مدیریت اطلاعات کنیم، بل که باید خودآگاه باشیم که عمدتاً به مدیریت و دستکاری دانش سودار<sup>۶</sup> مشغول‌ایم. مراد آن است که عمده‌ی هم ما در یک جامعه‌ی اطلاعاتی باید از نوع هرمنوتیکی باشد که خود مستلزم هنرهایی انتقادی از قبیل تفسیر، طراحی زیبایی‌شناختی یا اخلاق و تعهد به زندگانی است. به عبارت دیگر ما به تکنولوژی اطلاعات نیازمندایم، متها در پیوند با تکنولوژی‌های خود: هنر دوستی، هنر انتخاب، هنر سکوت و هنر خنده. بیایید در باب این تکنولوژی‌های خود و رابطه‌شان با تکنولوژی اطلاعات بیندیشیم.

### هنر دوستی در مقابل قدرت

در یک نگرش تیمارگرانه، مادامی که ساختارهای قدرت و سرکوب مانع از دگرگونی تکنولوژی اطلاعات توسط مردمی می‌شوند که درصدد کمک به خود و دیگران برای شکل‌دهی به زندگانی‌شان هستند، تکنولوژی اطلاعات باید در معرض سؤال و نقد قرار گیرد. در این‌جا مقصود از دگرگونی، تغییر بنیادین نظرگاه است: تکنولوژی اطلاعات یک علت صرف که می‌تواند باعث دگرگونی ما و جهان‌مان شود نیست، بل که هم‌هنگام، ما باید آن را در پروژه‌های متفاوت زندگانی

<sup>1</sup> *deliberative ethics*

<sup>2</sup> *Kramer*

<sup>3</sup> *informatio science*

<sup>4</sup> *rhetorical discipline*

<sup>5</sup> *Winograd and Flores*

<sup>6</sup> *biased knowledge*



مستحیل سازیم تا تنوع صورت‌های زندگانی در کره‌ی زمین را حفاظت کرده و آن را بالنده سازیم (کاپورو، ۱۹۹۱). ما تا به حال تحت لوای سلطه مشغول بسط تکنولوژی مدرن بوده‌ایم. طبیعت این آخرین بخت را به ما ارزانی می‌دارد تا تحت لوای دوستی به تکنولوژی رو کنیم. هانس یوناس<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) نشان داده است که ما نمی‌توانیم ضرورت دوستی را به جهان معاصر محدود کنیم، بل که باید آن را به نسل‌های آتی نیز تعمیم دهیم.

### هنر انتخاب در مقابل سرکوب

تکنولوژی اطلاعات ابزارهایی برای «خلق واقعیت» به ما ارزانی می‌کند، اما اگر به گونه‌ای هم‌زبانانه (دیالوژیک) - یعنی از طریق به رسمیت شناختن سایر آدم‌ها و موجودات زنده و احترام به آن‌ها - به انتخاب پردازیم مهلک و فاجعه‌بار خواهد بود. همان‌گونه که کریستین فلویید (۱۹۹۲) (ب) می‌نویسد:

جنبه‌ای مهم از علم کامپیوتر آن است که این علم با خلق واقعیت سر و کار دارد: واقعیت تکنیکی<sup>۲</sup> برنامه‌هایی که در کامپیوتر اجرا می‌شوند و شرایط و وضعیت‌های مربوط به واقعیت انسانی<sup>۳</sup> که به هنگام استفاده از کامپیوتر آشکار می‌شوند. لذا مقولات مفهومی صادق و کاذب که علم کامپیوتر بر آن‌ها مبتنی است، فی‌نفسه ناپسندیده‌اند. ما باید از طریق یافتن مقولاتی برای بیان خوشایندی/انتخاب‌هایمان، به منظور تمایزگذاری بین کم یا بیش مطلوب‌تر، آن‌چنان‌که در ایجاد تمایزات و تصمیم‌ها در فرایندهای طراحی گروهی اعمال می‌کنیم، از آن‌ها فراتر رویم. این امر برای آن‌که به خوبی از عهده‌ی مسأله‌ی کیفیت در توسعه و کاربرد نرم‌افزارها برآیم ضروری است (ص ۲۰).

### هنر سکوت در مقابل لفاظی

تکنولوژی اطلاعات یک «تکنولوژی وراج»<sup>۴</sup> است. بر ماست که هنر سکوت را بیاموزیم تا آنچه دیگران می‌گویند را بشنویم و بر ماست که سخن بگوییم تا از تابو- سکوت<sup>۵</sup> ناشی از پارادایم کهن «علم و تکنولوژی رها از ارزش» بگذریم. ما برای هم‌زیستی در جهانی مشترک به یک عقلانیت اخلاقی عام نیازمندیم. اما وقتی این عقلانیت صورت تکنولوژیک رسانه‌های همگانی را به خود می‌گیرد هر آینه ممکن است تک‌گویانه (مونولوژیک) باقی بماند. ما باید یاد بگیریم که به تفاوت‌های عقلانیت‌ها گوش فرا دهیم. فراگیری هنر سکوت از یک طرف به معنی آن است که یاد بگیریم چه گونه با عدم - آن عدمی که/گزستانس<sup>۶</sup> انسان می‌خوانیمش - مواجه شویم (کاپورو،

<sup>1</sup> Hans Jonas

<sup>2</sup> technical reality

<sup>3</sup> human reality

<sup>4</sup> loquacious technology

<sup>5</sup> Taboo-silence

<sup>6</sup> existence

۱۹۹۲) و از طرف دیگر به معنی احساس مسؤولیت در قبال رنج دیگران است؛ علی‌الخصوص آن‌جا که این دیگران تنها تصویری بر صفحه‌ی تلویزیون‌اند.

### هنر خنده در مقابل ترس

تکنولوژی برخی از ویژگی‌های اعتقاد جزمی را دارد. امبرتو اکو در رمان مشهورش «نام رز»<sup>۱</sup> نشان داده است که هنر خنده برای تمامی عقاید جزمی خطرناک است. خنده نیز هم‌چون سکوت انواع گوناگون دارد. من در این‌جا به آن خنده‌ای نظر دارم که در واقع بیان بصائری درباره‌ی ضعف‌های اساسی پروژه‌های تکنولوژیک ماست. در دوران باستان خنده را نشانه‌ی جنون، و نیز حکمت، می‌دانستند. هنر خنده از توانایی ما در به زیر سؤال بردن هویت فردی و جمعی مان حکایت می‌کند. خنده بر استعداد فردی و جمعی ما در رسیدن به آنچه که نیستیم یا آنچه که نمی‌فهمیم و در واقع برای متفاوت بودن گواهی می‌دهد. این به ما فرصت می‌دهد تا ارزش‌ها را از منظری نه فقط سیاسی، بل که از منظری سیاسی-اخلاقی<sup>۲</sup> زیر سؤال ببریم (کاپورو، ۱۹۹۲ الف). هم‌چنان‌که توماس فرولیش (۱۹۹۱، ص ۲۲۹) می‌گوید، اخلاق مبالغت<sup>۳</sup> نمی‌تواند با استفاده از تکنیک حجاب جهل<sup>۴</sup> راولز<sup>۵</sup>، چشم بر فردیت و سیاق‌مندی<sup>۶</sup> مسائل و نیازها بر بندد. البته مبالغت با انصاف یکی نیست (راولز، ۱۹۷۱). ما باید کاری کنیم که روال‌های اطلاعاتی به بخشی از روال‌های رایزنی، مشورت و ابراز مخالفت بدل شود؛ روال‌های اطلاعاتی باید به بخشی از پروژه‌ی به زیر سؤال بردن خود بدل شود تا موجب پیدایش صورت جدیدی از قدرت نگردد، چراکه در غیر این صورت گفتمان زندان تمام‌دید<sup>۷</sup> را به گفتمان آبرزدان تمام‌دید<sup>۸</sup> بدل می‌کند (پوستر<sup>۹</sup>، ۱۹۹۰).

### نتیجه‌گیری

من کوشیده‌ام نشان دهم که تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر جامعه می‌تواند از طریق منظر اخلاقی تکنولوژی‌های خود دگرگون شود. در این‌جا مراد از خود، اِگو<sup>۱۰</sup> نیست. خود در این‌جا برآیند ساحات طبیعی و مصنوعی‌ای است که ما به واسطه‌شان هویت‌هامان را شکل می‌دهیم و منظور من از هویت‌ها نیز تفاوت‌هاست. خواست من این است که از روابط بین انسان، جهان و تکنولوژی، یعنی از مغالطه‌های اومانیزم، ناتورالیسم و تکنیسیسم و تفکر هم‌نهادی آگاه باشیم.

<sup>۱</sup> *Il nome della rosa*

<sup>۲</sup> *poli-ethical*

<sup>۳</sup> *ethics of care*

<sup>۴</sup> *veil of ignorance*

<sup>۵</sup> *Rawls*

<sup>۶</sup> *contextuality*

<sup>۷</sup> *panopticon*

<sup>۸</sup> *super-panopticon*

<sup>۹</sup> *Poster*

<sup>۱۰</sup> *ego*

مبالات خود، یک تفکر هم‌نهادی است؛ بدان معنی که به واسطه‌اش ایجاباً وابستگی‌های متقابل‌مان را می‌شناسیم: وابستگی بشر به طبیعت و تکنولوژی، وابستگی تکنولوژی به طبیعت و بشر و وابستگی طبیعت به بشر و تکنولوژی. ما چه‌گونه می‌توانیم تضمین کنیم که مزایای تکنولوژی اطلاعات نه تنها عادلانه توزیع شود، بل که به‌گونه‌ای توسط افراد به خدمت گرفته شود که بتوانند زندگانی خاص خود را نیز شکل دهند؟ من بر آنم که «تکنولوژی‌های خود» جزئی لاینفک از پاسخ به این سؤال‌اند.

## منابع و مأخذ

- Baudrillard, Jean(1987): *L'autre par lui meme*. Paris: Galilee.
- Benjamin, Walter(1936/1990): "Das Kunstwerk im Zeitalter Seiner Technischen Reproduzierbarkeit" (1. Fassung). *Gesammelte Schriften*. Frankfurt a M.: Suhrkamp. Vol.I.
- Capurro, Rafael(1986): *Hermeneutik der Fachinformation*. Freiburg/ Munchen: Alber.
- Capurro, Rafael(1991): "Informationstechnik in der Lebenswelt." P. Gorni, ed.: *Informatik und Schule 1991. Information-Fachberichte 292*. Berlin: Springer, 16-26.
- Capurro, Rafael(1990): "Towards an Information Ecology." In I. Wormell. ed.: *Information Quality: Definitions and Dimensions*. London: Taylor Graham, 122-139.
- Capurro, Rafael(1992): "What is Information Science for?" In: P. Vakkari, B. Cronin(eds): *Conceptions of Library and Information Science*. London: Taylor Graham, 82-96.
- Capurro, Rafael(1992a): "Pour une 'poli-ethique' de l'information." *Concordia 22*, 44-49.
- Capurro, Rafael(1993): "'Sein und Zeit' und die Drehung ins Synthetische Denken." In: M. Eldred, ed: *Twisting Heidegger*. Cuxhaven: Junghans, 51-65.
- Dahlbom. Bo(1991): "The Idea that Reality Socially Constructed." In: C. Floyd et al.(eds.): *Software Development and Reality Construction*. Berlin: Springer, 101-126.
- Doctor, Ronald D.(1991): "Information Technologies and Social Equity: Confronting the Revolution." *Journal of ASIS 42(3)*, 216-228.
- Dreyfus, Hubert L., Rabinow, Paul (1983): *Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics*. The Univ. of Chicago Press.
- Eco, Umberto(1980): *Il nome della rosa*. Milano: Fabbri- Bompiani.
- Floyd, Christiane(1992a): "Science and Ethics." In: R.Rilling, H. Spitzer, O. Greene, F. Hucho, G. Pati(eds.): *Challenges: Science and Peace in a Rapidly Changing Environment*. International Congress of Scientists and Engineers. Berlin, 29. November-1. December 1991. Proceedings. Schriftenreihe Wissenschaft und Frieden, 172-189.
- Floyd, Christiane(1992): "Human Questions in Computer Science." In: C. Floyd et al.(eds.): *Software Development and Reality Costruction*. Berlin: Springer, 15-30.
- Foucault, Michel(1984): *L'usage des plaisirs*. Vol.2. Paris: Gallimard.

- Froehlich, Thomas J.(1990): "Ethics, Ideologies, and Practices of Information Technology and Systems." In: **Information in the Year 2000: From Research to Applications**. Proceed. Of the 53 rd Annual Meeting of the ASIS, Vol. 27. Medford, NJ: Learned Information, 245-255.
- Froehlich, Thomas J.(1991): "Ethical Considerations in Technology Transfer." R. Hauptman(ed.): *Ethics and the Dissemination of Information*. **Library Trends** 40(2) 275-302.
- Goguen, Joseph A.(1992): "Truth and Meaning Beyond Formalism." In: C. Floyd et al.(eds.): **Software Development and Reality Construction**. Berlin: Springer, 353-362.
- Habermas, Jurgen(1988):**Theorie des Kommunikativen Handelns**. Frankfurt a.M. Suhrkamp, 2Vol.
- Hauptman, Robert(ed)(1991): "Ethics and the Dissemination of Information." **Library Trends** 40(2) 199-375.
- Jonas, Hans(1984): **Das Prinzip Verantwortung**. Frankfurt: Suhrkamp.
- Kant, Immanuel(1968): **Beantwortung der Frage: Was ist Aufklärung?** Akademie-Ausgabe, Bd. VII.
- Kramer, Hans(1992): **Integrative Ethik**. Frankfurt a.M.: Suhrkamp.
- Levinas, Emmanuel(1961): **Totalite et infini**. The Hague: Nijhoff.
- Liotard, Jean-Francois(1979): **La condition postmoderne**. Paris: Edition de Minuit.
- McLuhan, Marshal(1964): **Understanding Media**. New York: Mc Graw-Hill.
- Poster, Mark(1909): **The Mode of Information: Poaststructuralism and Social Context**. Cambridge: Polity Press.
- Postman, Neil(1991): **Technopoly**. New York: A.A. Knopf.
- Rawls, John(1971): **A Theory of Justice**. Cambridge: Harvard.
- Rossnagel, A. et al.(1989): **Die Verletzlichkeit der 'Informationsgesellschaft'**. Opladen.
- Sloterdijk, Peter(1993): **Kritik der Zynischen Vernunft**. Frankfurt a.M.: Suhrkamp,2 Vol.
- Vattimo, Gianni(1985): **La fine della modernita**. Milano: Garzanti.
- Vattimo, Gianni(1989): **La societa trasparente**. Milano: Garzanti.
- Webster, F., Robins, K.(1986): **Information Technology: A Luddite Analysis**. Norwood, NJ: Ablex.
- Winograd, Terry, Flores, Fernando(1986): **Understanding Computers and Cognition: A New Foundation for Design**. Norwood, NJ: Ablex